

رابطه مذهب و زیبایی‌شناسی از دیدگاه توماس آکوئیناس در قرون وسطی اروپا و انعکاس آن در آثار معماری ایتالیایی

چکیده

زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به ماهیت زیبایی و سلیقه و همچنین فلسفه هنر می‌پردازد. با فروپاشی الهیات مسیحیت در اروپای قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی، گرایش اجتماع آن زمان به عقل‌گرایی ارسطویی افزایش یافت. در این میان، قدیسی مسیحی به نام توماس آکوئیناس سعی کرد برای جلوگیری از نزول مسیحیت، آموزه‌های مسیحیت را با عقل‌گرایی ارسطویی ارتقا بخشد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است درصدد، بررسی پیوند بین مذهب و فلسفه ارسطویی از دیدگاه توماس آکوئیناس و تأثیر بر معماری ایتالیایی می‌باشد. مطالعات نشان داد که توماس آکوئیناس اندیشه‌های فلسفی ارسطو را در چارچوب آموزه‌های مسیحیت تغییر داده و تکمیل کرد و در نهایت، ایمان مسیحیت را با فلسفه ارسطو تطبیق داد. آکوئیناس تلاش کرده بود برای رویدادهای اجتماعی-سیاسی آن دوران که برخاسته از عمل و سیاست کلیسا بود، نوعی وجهی عقلانی و واقعی ایجاد نماید. براساس فلسفه ارسطو، دو عقل بالفعل (الهی) و بالقوه وجود دارد. آکوئیناس با تکیه بر این فلسفه ارسطو، آموزه‌های دینی مسیحی را از عقل بالفعل یعنی خداوند می‌دانست که عقلانیت انسان ملهمی از آن می‌باشد. در حقیقت توماس آکوئیناس به دو نظام معرفتی معتقد بود: نظام الهی مبتنی بر ایمان و نظام فلسفی مبتنی بر عقل بشری. زیبایی معماری ایتالیایی به دو دسته زیبایی‌های ظاهری (نمادین) و باطنی (هویت‌ی) تقسیم‌بندی می‌شود که در حوزه ظاهری به عواملی مانند نور و رنگ و در حوزه باطنی به عواملی مانند مذهب و فرهنگ تقسیم می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی رابطه مذهب و زیبایی‌شناسی از دیدگاه توماس آکوئیناس در قرون وسطی اروپا.

۲. بررسی تأثیر ارتباط مذهب و زیبایی‌شناسی در معماری ایتالیایی.

سؤالات پژوهش:

۱. چه ارتباطی میان مذهب و زیبایی‌شناسی در اندیشه توماس آکوئیناس وجود دارد؟

۲. اندیشه‌های توماس آکوئیناس درباره زیبایی و پیوند آن با مذهب چه تأثیری بر معماری ایتالیایی داشته است؟

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، فلسفه هنر، فلسفه ارسطو، توماس آکوئیناس، معماری ایتالیایی.

مقدمه

مسئله تقابل عقل و دین یکی از نخستین مسائلی بود که در حوزه اندیشه بشر ایجاد گردید. در این میان، برای انسان قرن سیزدهمی اروپا، یکی از معانی فیلسوف، بی دین بود؛ یعنی فیلسوفی که عقل‌گرا بود؛ کسی بود که چون قبل از عیسی (ع) متولد شده، نمی‌توانسته از حقیقت ایمان مسیحی، اطلاع داشته باشد وضعیت افلاطون و ارسطو نیز چنین بود؛ بنابراین، ارسطو، بی‌دین، به شمار می‌آمد؛ همچنین به ذهن آن‌ها نمی‌رسید که یک نفر در عین حال که فیلسوف است، قدیس هم باشد. توماس آکوئیناس که یکی از بزرگ‌ترین متکلمان و فیلسوفان مسیحی به شمار می‌رود، بر آن بود که عقل با دین و ایمان، هماهنگی تقریباً کاملی دارد.

نظام‌مندترین و نافذترین راه‌حل مسئله ایمان و عقل را آکوئیناس بیان کرد. در این نظام بین فلسفه ارسطو و وحی مسیحی، بدان‌گونه که در کتب مقدس یافت می‌شود و کلیسا آن را تفسیر می‌کند، پیوند برقرار می‌شود، به نظر آکوئیناس، خیر نهایی ماهیت انسان در لذت لقاء است. اما تحقق این امر در زندگی این دنیا برای ما میسر نیست، زیرا افکار ما متوقف بر داده‌های حسی است. با این حال، ما می‌توانیم به طرقی که مخلوقات دیگر نمی‌توانند، از محدودیت‌های حواس فراتر رویم. عقل ما می‌تواند از داده‌های حسی انتزاع کند و وجود قلمرو بالاتری را بپذیرد؛ در عین حال که عقل نمی‌تواند به کنه موجود فراطبیعی برسد، هستی آن را می‌تواند ثابت کند. بنابراین، برخی حقایق الهی از طریق تأمل فلسفی قابل وصول است. راه دوم که در آن می‌توانیم به رؤیت خدا نایل شویم، راه وحی است که هم برای کسانی که می‌توانند به استدلال فلسفی بپردازند، هم برای کسانی که نمی‌توانند به استدلال فلسفی بپردازند، قابل دسترسی است. زیبایی‌شناسی یکی از مفاهیم عقلی بود که در اندیشه توماس آکوئیناس مورد توجه قرار گرفت. بازتاب این اندیشه‌گری در فضای فکری و فرهنگی ایتالیا به خصوص در معماری قابل تأمل است.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد در این باره تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. البته آثاری به بررسی اندیشه آکوئیناس بر هنر قرون وسطی پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیبی تأثیر آراء سن آگوستین و توماس آکوئیناس بر هنر نقاشی سده‌های میانه مسیحی» توسط رجبی و حسینی (۱۳۹۷) به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان در این اثر برآنند در قرون وسطی هنر تحت تأثیر اندیشه‌های آکوئیناس رنگ مادی به خود می‌گیرد و به موازات این مسئله پیکر انسان‌ها مبنی بر تناسب کامل و شفاف خلق شده است. با این حال در این اثر اشاره‌ای به تأثیر آراء آکوئیناس بر معماری این دوره نشده است لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و درصدد واکاوی ارتباط مذهب و هنر و زیبایی در معماری ایتالیا در قرون وسطی است.

نتیجه‌گیری

توماس آکوئیناس که خود قدیس کلیسا بود، با تلفیق اندیشه‌های ارسطو با آموزه‌های مسیحیت که این امر بسیار حساب شده و از روی آگاهی صورت گرفته بود دست به ابتکار عمل در حوزه فلسفه دوران وسطایی و کلیسا زده بود و مسیحیت را از حالت صرف و پذیرش بی‌چون و چرایی الهوی بیرون آورد و در حالی جو حاکم بر اجتماع آن روز افلاطونی و نوافلاطونی می‌نمود با دخول عقلانیت و عقل‌گرایی و تلفیق آن در آموزه‌های مسیحیت و توجیه این آموزه‌های با عقل‌گرایی ارسطویی سعی در کسب اعتبار دوباره کلیسا و مسیحیت و جلوگیری از انحطاط جامعه مسیحیت در آن زمان بود. او علاقه خاصی به اندیشه‌های ارسطو داشت و تماماً در رساله خود به دلایل منطقی و فلسفی ارسطو ارجاع داده است. بنیان اصلی نظریه آکوئیناس در رساله‌های او و به‌ویژه رساله معروف او «الهیات عالی» دیده می‌شود. بعد از ایمان اولیه به وحی، عقل می‌تواند توجیه گر راه‌هایی باشد که خداوند بر سر راه انسان قرار داده است. نظریه آکوئیناس معطوف به شیوه طبیعی و عقلانی سازماندهی زندگی اجتماعی به وجهی است که انسان بتواند غایت‌های طبیعی زندگی خود را در عرصه عمومی (در جامعه و حوزه سیاست) به ثمر برساند. بینش اخلاقی و سیاسی آکوئیناس در برابر دیدگاه‌های مبتنی بر حکومت‌های مطلقه یا حکومت‌های دین‌سالار در واقع تأیید مشروعیت عقلانی حکومت مبتنی بر قانون بشری است. آکوئیناس متفکری خوشبین بود که به توانایی انسان در ساماندهی زندگی اجتماعی و سیاسی خود اعتقاد داشت. آکوئیناس با رجوع به فلسفه یونان باستان به ویژه ارسطو و با تاثیرپذیری از تفسیرهای ابن سینا و ابن رشد از ارسطو و با بهره‌مندی از دستاورد مطالعات حقوقی رومی و سرانجام با الهام از دین مسیح و مطالعات حکمای مسیحی توانست اندیشه سیاسی را به مسیر و پایگاه تازه‌ای راهنمایی کند که نقطه آغاز تحول عصر جدید در اروپا بود. آکوئیناس توانست نظام تازه‌ای در الهیات پدید آورد که جمع میان عقل و شرع را ممکن کرد. در این اثنا بود که توماس آکوئیناس در راس دیگر دومینیکن‌های قرن سیزدهم میلادی، با تکیه بر اندیشه‌های ارسطو، تفسیری متفاوت از رویکرد متالین نوافلاطونی غالب بر کلیسا در قرون وسطی ارائه داد و راه را برای خردورزی مدرن در سده‌های بعدی باز کرد. نوافلاطونیان به صورت‌های کلی مستقل از افراد اعتقاد داشتند و اینکه شناخت حقیقت در گرو دست یافتن به این صورت‌های کلی است. به عقیده آن‌ها از عالم افراد و زندگی حسی (تجربی) فناپذیر راهی به دنیای ازلی و ابدی حقایق صورت‌های کلی وجود ندارد. دوگانگی بین جسم میرنده و روح جاودانه انعکاسی از دوگانگی دنیای حسی (افراد) و عالم صورت‌های کلی است. توماس آکوئیناس با تفسیر ارسطویی از صورت‌های کلی، دسترسی به آن‌ها را از طریق انتزاعات عقل فردی امکان‌پذیر دانست. به عقیده وی عقل انسان با تحلیل پدیده‌های فردی و با توسل به فرایند انتزاع می‌تواند به درک صورت‌های کلی نائل آید. نتیجه این رویکرد جدید، اهمیت دادن به مشاهدات تجربی و مشروعیت بخشیدن به عقل برای استنتاج‌های انتزاعی از این مشاهدات بود. ارسطوگرایی توماس آکوئیناس در حقیقت زمینه را جهت رشد رویکردهای علمی مدرن آماده ساخت. آکوئیناس بر این باور بود که فلسفه و الهیات نه تنها در تضاد با هم نیستند، بلکه مکمل یکدیگر برای رسیدن به حقیقت‌اند. از نظر وی، دانش انسانی مجموعه‌ای بزرگ از یک نظام سلسله‌مراتبی است که در قاعده آن‌ها علوم قرار دارد، بالاتر از علوم

فلسفه و در راس همگی آن‌ها الهیات است. وحی و مکاشفه که ناظر بر راس هرم دانش است موجب محو و بلاموضوع شدن ارزش‌ها و حقایق انسانی در قاعده هرم نمی‌شود. فلسفه بر مبنای اصول کشف شده توسط عقل حرکت می‌کند و الهیات از وحی تعبدی الهام می‌گیرد. این اندیشه‌های آکوئیناس را می‌توان در اصل تناسب و کاربرد نقاشی در معماری قرون وسطی مشاهده کرد.

منابع:

- ارسطو. (۱۳۷۹). متافیزیک، ترجمه شرف الدین خراسانی، تهران: انتشارات حکمت.
- ارسطو. (۱۳۷۸). نفس، ترجمه علیمراد داوودی، تهران: انتشارات حکمت.
- ایلخانی، محمد. (۱۳۸۱). «دین و فلسفه در غرب مسیحی از ابتدا تا دوره اصلاح دینی»، هفت آسمان، ش ۱۵.
- براکوزه، خوزه. (۱۳۸۱). راهنمای هنر گوتیک، ترجمه: سیما ذوالفقاری، تهران: نشر ساقی.
- بیردزلی، مونرو؛ هاسپرس، جان. (۱۳۸۷). تاریخ مسائل زیباشناسی، ترجمه محمدسعیدحنایی، تهران: هرمس.
- پنلهوم، ترنس. (۱۳۸۳). ربط و نسبت عقل و ایمان، ترجمه: احمدرضا مفتاح، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲۰ و ۲۱.
- ترانوی، منونت. (۱۳۷۷). توماس آکوئیناس، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر کوچک.
- جان محمدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). عقل فعال در نظر ارسطو، دوفصلنامه فلسفه و کلام، دوره: ۴۶، شماره ۱.
- طاهرزاده، اصغر. (۱۳۹۶). تاریخ فلسفه غرب ۱، نشر گروه فرهنگی المیزان.
- جنس. (۱۳۸۸). تاریخ هنر جنس، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- داوودی، علیمراد. (۱۳۸۷). عقل در حکمت مشاء، تهران: انتشارات حکمت.
- ژیلسون، اتین. (۱۳۷۵). مبانی فلسفه مسیحیت، ترجمه: محمد محمد رضایی و سید محمود موسوی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کاپلستون، فردریک. (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه، ج ۲، ترجمه ابراهیم دادجو، تهران: علمی و فرهنگی.
- کنی، آنتونی. (۱۳۷۶). آکوئیناس، ترجمه محمدبقایی ماکان، بی‌جا: نشر واژه آوا.
- کونگ، هانس. (۱۳۸۶). متفکران بزرگ مسیحی، گروه مترجمان، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کلوسکو، جورج. (۱۳۹۷). تاریخ فلسفه سیاسی، ترجمه: خشایار دیهیمی، چ ۶، تهران: نشر نی.
- کمالی زاده، طاهره. (۱۳۹۱). عقل در فلسفه ارسطو به روایت اسکندر و فارابی، نشریه فلسفه و کلام اسلامی.
- گراوند، سعید. (۱۳۸۴). رابطه عقل و ایمان با فلسفه و دین، قبسات، شماره ۳۵.

علیزاده اسکویی، پیمان و همکاران. (۱۳۹۹). « نماد عرفانی رنگ و نور در نقاشی و معماری دوره گوتیک»، عرفان اسلامی، شماره ۶۳، صص ۴۰-۵۱.

مارگولیس، جوزف. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی در قرون وسطی، دانشنامه زیبایی‌شناسی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی و دیگران، تهران: مؤسسه متن.

مجیدی، حسن. (۱۳۸۸). حکومت مطلوب در اندیشه توماس آکویناس، نشریه مطالعات سیاسی،

مددپور، محمد. (۱۳۷۲). «زیبایی‌شناسی در تئوری سن توماس» نامه فرهنگ، شماره ۹، صص ۱۳۶-۱۳۹.

Aquinas. (1998). *the philosophy of Thomas Aquinas, Introductory Readings, Selected & Edited by Christopher Martin, London & New York, Routledge.*

..... (1977). *The Summa Theologica, (In: Great Books of the Western World, Vol. 20), the University of Chicago*

Alvin, P. (2000). *Warranted Christian Belief (New York, Oxford University Press, p. 109*

Brentano, F. (1995). "Nous poiētikos: Survey of Earlier Interpretations", in *Essays on Aristotle's De Anima*, ed. Amélie Oksenberg Rorty & Martha C. Nussbaum, eBook version pp. 313-329.

Cross, F. L. (1997). *The Oxford Dictionary of the Christian Church, New York*

Cohen, M. (2008). "Aristotle Thinking", in *Lecture Note on Philosophy of Aristotle, University of Washington: <http://faculty.washington.edu/smcohen/433/AristotleThinking>, 2008.*

Penelhum, T. (1995). *The Idea of Reason, in Companion Encyclopedia of theology, ed. by Peter Byrne and Leslie Houlden, Routledge.*